



مؤلفان:
سید محمد موسوی
سرور فلاحی نژاد

زود
اصحاح

فارسی دوازدہم

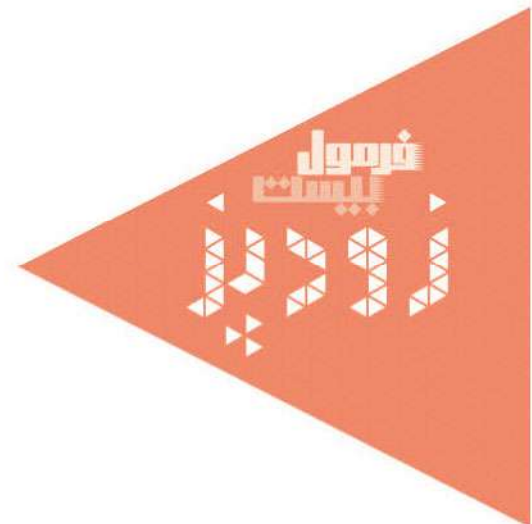
۵
کاج

۳۰
صفحه مرور کامل معنی
و املای واژگان

۱۷۰
صفحه بررسی سطر به سطر
کتاب درسی در مباحث دستور،
آرایه و معنی و مفهوم

۲۴
ساعت فیلم آموزش
کامل دستور و آرایه

۲۲
آزمون فصل به فصل
و جامع با پاسخ تشریحی



تهران، میدان انقلاب
نیش بازارچه کتاب
www.gajmarket.com

فهرست

فصل پنجم: ادبیات انقلاب اسلامی

- ۱۶۰ درس دهم: فصل شکوفایی
- ۱۶۵ گنج حکمت: تیرانا!
- ۱۶۷ درس یازدهم: آن شب عزیز
- ۱۷۹ شعرخوانی: شکوه چشمان تو
- ۱۸۳ آزمون ۱ فصل پنجم
- ۱۸۷ آزمون ۲ فصل پنجم

فصل ششم: ادبیات حماسی

- ۱۹۴ درس دوازدهم: گذر سیاوش از آتش
- ۲۱۰ گنج حکمت: به جوانمردی کوش
- ۲۱۳ درس سیزدهم: خوان هشتم
- ۲۲۵ شعرخوانی: ای میهن!
- ۲۲۷ آزمون ۱ فصل ششم
- ۲۳۲ آزمون ۲ فصل ششم

فصل هفتم: ادبیات داستانی

- ۲۳۹ درس چهاردهم: سی مرغ و سیمرغ
- ۲۵۶ گنج حکمت: کلان‌تر و اولی‌تر!
- ۲۵۷ درس شانزدهم: کباب غاز
- ۲۷۸ روان‌خوانی: ارمیا
- ۲۸۳ آزمون ۱ فصل هفتم
- ۲۸۷ آزمون ۲ فصل هفتم

فصل هشتم: ادبیات جهان

- ۲۹۵ درس هفدهم: خنده تو
- ۳۰۰ گنج حکمت: مسافر
- ۳۰۲ درس هجدهم: عشق جاودانی
- ۳۰۵ روان‌خوانی: آخرین درس
- ۳۱۲ نیایش: لطف تو
- ۳۱۵ آزمون ۱ فصل هشتم
- ۳۱۹ آزمون ۲ فصل هشتم

ستایش: ملکا ذکر تو گویم

فصل اول: ادبیات تعلیمی

- ۹ درس اول: شکر نعمت
- ۱۹ گنج حکمت: گمان
- ۲۰ درس دوم: مست و هشیار
- ۲۸ شعرخوانی: در مکتب حقایق
- ۳۱ آزمون ۱ فصل اول
- ۳۵ آزمون ۲ فصل اول

فصل دوم: ادبیات پایداری

- ۴۳ درس سوم: آزادی
- ۴۶ دفتر زمانه
- ۴۹ گنج حکمت: خاکریز
- ۵۱ درس پنجم: دماوندیه
- ۶۰ روان‌خوانی: جاسوسی که الاغ بود!
- ۶۴ آزمون ۱ فصل دوم
- ۶۸ آزمون ۲ فصل دوم

فصل سوم: ادبیات غنایی

- ۷۵ درس ششم: نی‌نامه
- ۸۵ گنج حکمت: آفتاب جمال حق
- ۸۷ درس هفتم: در حقیقت عشق
- ۹۰ سودای عشق
- ۹۵ شعرخوانی: صبح ستاره باران
- ۹۸ آزمون ۱ فصل سوم
- ۱۰۲ آزمون ۲ فصل سوم

فصل چهارم: ادبیات سفر و زندگی

- ۱۰۹ درس هشتم: از پاریز تا پاریس
- ۱۱۸ گنج حکمت: سه مَرکبِ زندگی
- ۱۱۹ درس نهم: کویر
- ۱۲۸ روان‌خوانی: بوی جوی مولیان
- ۱۳۵ آزمون ۱ و ۲ فصل چهارم
- ۱۴۷ آزمون ۱ و ۲ نیم‌سال اول

۳۲۶

۳۲۸

تاریخ ادبیات

۴ دوره امتحان نهایی

ستایش: ملک، ذکرتو کویم

ولادنامه کتاب دسر

<p>پویدین: حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جست و جوی چیزی، تلاش، رفتن</p> <p>دی ۱۴۰۱ و شهریور ۹۹ خاج</p> <p>ثنا: ستایش، سپاس؛</p> <p>دی ۹۷ خاج و دی ۱۴۰۱</p> <p>هم‌آوا با «سنا = نور و روشنایی»</p> <p>جزا: پاداش کار نیک</p> <p>جلال: بزرگواری، شکوه، از صفات خداوند که به مقام کبریایی او اشاره دارد.</p>	<p>جود: بخشش، سخاوت، کرم</p> <p>حکیم: دانا به همه چیز، دانای راست‌کردار، از نام‌های خداوند تعالی؛ بدین معنا که همه کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کار بی‌هوده انجام نمی‌دهد.</p> <p>رحیم: بسیار مهربان، از نام‌ها و صفات خداوند</p> <p>روی: مجازاً امکان، چاره</p> <p>سرور: شادی، خوشحالی</p> <p>خرداد ۱۴۰۱</p>	<p>سزا: سزاوار، شایسته، لایق</p> <p>شبهه: مانند، مثل، همسان</p> <p>خرداد ۱۴۰۱</p> <p>این واژه با «شبح = سایه، سیاهی» هم‌آوا نیست.</p> <p>عزّ: ارجمندی، گرامی شدن؛</p> <p>مقابل «ذَلّ = خواری»</p> <p>فضل: بخشش، کرم</p> <p>کریم: بسیار بخشنده، بخشاینده، از نام‌ها و صفات خداوند</p> <p>ملک: پادشاه، خداوند؛</p>	<p>این واژه با واژه‌های «ملک = فرشته و مُلک = سرزمین، پادشاهی» هم‌آوا نیست.</p> <p>نماینده: آن‌که آشکار و هویدا می‌کند، نشان‌دهنده</p> <p>وهم: پندار، تصوّر، خیال</p> <p>یقین: بی‌شبهه و شک بودن، امری که واضح و ثابت شده باشد.</p>
---	---	--	--

۵

سایر ولادناخ

<p>نگنجی: جای نمی‌گیری</p> <p>وصف: توصیف کردن</p>	<p>ذکر: یاد کردن</p> <p>فزایی: اضافه کنی، زیاد کنی</p> <p>مگر: امید است که، شاید که</p>	<p>بکاهی: کم کنی، کاهش دهی</p> <p>توحید: یگانگی، یکتایی</p> <p>دوزخ: جهنّم</p>
--	--	---

ولادناخ هم‌آوا و تشابه

<p>شبهه: مانند</p> <p>شَبیح: سایه</p>	<p>فزا: بن مضارع از افزودن</p> <p>فضا: جَوّ</p>	<p>ثنا: ستایش</p> <p>سنا: روشنایی</p>
---	---	---

ولادناخ هم‌آوا

ذکر و یاد / فضل و رحمت / سزا و لایق / حکیم و دانا / عظیم و بزرگ / رحیم و مهربان / ثنا و ستایش / خرداد ۱۴۰۳ و شهریور ۱۴۰۲ / وهم و گمان / عزّ و ارجمندی / جزا و پاداش / غیب و نهان / عیب و عار / سنا و روشنایی / توحید و یگانگی / شبهه و شباهت / خرداد ۱۴۰۲ / عزّ و ذَلّ / بکاهی و فزایی / جود و جزا

شرح متن درس

نروم جسز به همان ره که توأم راه نیایی

ملکا، ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی

به آیه ۶، سوره حمد: ﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾: ما را به راه راست هدایت فرما. / واج آرای **ک** ← تکرار صامت «ک»

معنی و مفهوم

معنی بیت: خدایا، فقط نام تو را بر زبان می‌آورم؛ زیرا تو پاک و منزّه و پروردگار عالم هستی. فقط در راهی که تو آن را به من نشان می‌دهی گام می‌نهم.

مفهوم بیت:

- ۱ ذکر و تسبیح خداوند پاک
- ۲ هدایت‌گری خداوند (إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ)

مباحث دستوری

ملک ← منادا، «ا» در «ملکا» ← حرف ندا / ذکر تو ← مفعول، ترکیب اضافی دی ۹۸ خارج / پاک ← مسند / خدا ← مسند / ره ← متمم دی ۹۸ خارج / «ت م» در «توأم» ← متمم یا مضاف‌الیه: ۱ تورا راه به من نمایی، ۲ تورا همنامی من هستی / بیت «۶ جمله» دارد: ۱. ملکا ۲. ذکر تو گویم ۳. تو پاکی ۴. تو خدایی ۵. نروم جز به همان ره ۶ که توأم راه نمایی

آرایه‌های ادبی

توأم راه نمایی ← ایهام دوگانه‌خوانی [۱] تو راه را به من نمایی (نشان دهی) ۲ تورا همنامی من هستی / مصراع دوم ← تلمیح

همه توحید تو گویم که به توحید سزایی

همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم

معنی و مفهوم

معنی بیت: در جست‌وجوی بارگاه تو و در طلب فضل و بخشش تو هستم. من فقط از یگانگی و وحدانیت تو سخن می‌گویم؛ زیرا تو شایسته توحید و یگانگی هستی.

مفهوم بیت:

- ۱ یاری جستن از خداوند (إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ)
- ۲ فضل و رحمت الهی
- ۳ اقرار به یگانگی خداوند (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ)

مباحث دستوری

همه ← قید (به معنی فقط) / جویم، پویم، گویم ← مضارع اخباری (می‌جویم، می‌پویم، می‌گویم) / سزا ← مسند

آرایه‌های ادبی

مصراع اول ← تلمیح به آیه ۵، سوره حمد: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾: تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جویم. / جویم، پویم، گویم ← جناس ناهمسان و سجع / تکرار ← همه، تو، توحید / واج آرای **ک** ← تکرار صامت «ت» / مصراع دوم ← تلمیح به آیه ۱، سوره اخلاص: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾: بگو خدا یکتاست



آموزش دستور



آموزش آرایه



اول درس

شکر نعمت

دوازدهمین کتاب درسی



<p>مفْرَح: شادی بخش، فرح انگیز مکاشفت: کشف کردن و آشکار ساختن، در اصطلاح عرفانی، پی بردن به حقایق است. مَنْت: سپاس، شکر، نیکویی منسوب: نسبت داده شده؛ هم‌آوا با «منسوب = گمارده شده، گماشته شده، نصب شده» منکر: زشت، ناپسند؛ خرداد ۱۴۰۰ این واژه با «منکر = انکارکننده» هم‌آوا نیست. موسم: فصل، هنگام، زمان ناموس: آبرو، شرافت نبات: گیاه، رُستنی نبی: پیغمبر، پیام‌آور، رسول نسیم: خوش‌بو نماینده: آن‌که آشکار و هویدا می‌کند، نشان دهنده واصفان: ج‌واصف، وصف‌کنندگان، ستاینندگان ورق: برگ وسیم: دارای نشان پیامبری دی ۹۸ خراج وظیفه: مقرری، وجه معاش وظیفه روزی: رزق مقرّر و معین؛ بریدن روزی؛ قطع کردن مقرری</p>	<p>از پوشیدن دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند. قدم: آمدن، قدم‌نهان، فرارسیدن قسیم: صاحب جمال کاینات: ج کاینه، همه موجودات جهان کرامت‌کردن: عطا کردن، بخشیدن مراقبت: در اصطلاح عرفانی، کمال توجه بنده به حق و یقین بر اینکه خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست؛ نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق. خرداد ۹۸ و دی ۹۹ خراج مزید: افزونی، زیادی مُطاع: فرمانروا، اطاعت‌شده، کسی که دیگری فرمان او را می‌برد؛ شهریور ۱۴۰۳ و خرداد ۱۴۰۰ این واژه با «مُتاع = کالا، جنس» هم‌آوا نیست. معاملت: اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی؛ در متن درس، مقصود همان کار مراقبت و مکاشفت است. خرداد ۹۸ معترف: اقرارکننده، اعتراف‌کننده مفخر: هرچه بدان فخر کنند و بنانند؛ مایه افتخار</p>	<p>دایه: زنی که به جای مادر به کودک شیر می‌دهد یا از او پرستاری می‌کند. ربیع: بهار روزی: رزق، مقدار خوراک یا وجه معاش که هر کس روزانه به دست می‌آورد یا به او می‌رسد. شفیع: شفاعت‌کننده، پایمرد شهد: عسل؛ شهد فایق؛ عسل خالص صفت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر شهریور ۹۹ عاکفان: ج عاکف، کسانی که در مدتی معین در مسجد بمانند و به عبادت پردازند. دی ۹۹ عزّوجلّ: گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است؛ بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود. عصاره: آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورند؛ افسره، شیره فاحش: آشکار، واضح مترادف با «هویدا = روشن، آشکار» دی ۱۴۰۳ فایق: برگزیده، برتر دی ۹۹ خراج فزّاش: فرش‌گستر، گسترنده فرش قبا: جامه، جامه‌ای که از سوی پیش باز است و پس</p>	<p>اعراض: روی گرداندن از کسی یا چیزی، روی گردانی خرداد ۱۴۰۱ خراج انابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی خرداد ۹۹ انبساط: حالتی که در آن، احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد؛ خودمانی شدن خرداد ۱۴۰۰ باسق: بلند، بالیده خرداد و شهریور ۹۹ بنات: ج بنت، دختران بنان: سرانگشت، انگشت تاک: درخت انگور، رز تنقه: باقی‌مانده؛ تنقه دور زمان؛ مایه تمامی و کمال گردش روزگار، مایه تمامی و کمال دور زمان رسالت تحفه: هدیه، ارمغان تخیر: سرگشتگی، سرگردانی تضّرع: زاری کردن، التماس کردن تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن جسیم: خوش‌اندام جلیه: زیور، زینت خوان: سفره، سفره فراخ و گشاده؛ هم‌آوا با «خان = بزرگ قبیله»</p>
---	---	--	--

سایه ولایت

<p>طاعت: عبادت، بندگی</p> <p>عهد: وظیفه</p> <p>فرو گذاشت: رها کرد</p> <p>قربت: نزدیکی؛ هم‌آوا با «غربت: دوری، تنهایی»</p> <p>دی ۱۴۰۲</p> <p>کریم: بخشنده</p> <p>کشف: برطرف کرد، آشکار کرد</p> <p>کَلک: قلم، خامه، هر نی میان تپهی</p> <p>مدعی: ادعاکننده</p> <p>مستغرق: حیران و شیفته، مجذوب</p> <p>ممد: مددکننده، یاری‌رساننده؛ هم‌خانواده با «امداد»</p> <p>دی ۹۹ و ۲ بار تکرار</p> <p>مهد: گهواره</p> <p>نخل: درخت خرما</p>	<p>حیات: زندگی؛ هم‌آوا با «حیاط: محوطه جلوی خانه»</p> <p>خبر: حدیث</p> <p>خصال: ج خصلت، عادت‌ها</p> <p>خلعت: جامه دوخته که بزرگی به کسی بخشد، هدیه</p> <p>دجی: ج دجیه، تاریکی‌ها</p> <p>ذات: وجود</p> <p>زمرد: سنگی قیمتی به رنگ سبز؛ زمردین؛ منسوب به زمرد (صفت نسبی)، سبزرنگ</p> <p>شکور: شکرگزار، سپاس‌گزار</p> <p>صاحب‌دل: عارف، خدانشناس</p> <p>صبا: بادی که از جانب شمال شرق می‌وزد، باد بهاری؛ نماد پیام‌رسانی؛ هم‌آوا با «سبا: سرزمینی در یمن کنونی»</p>	<p>اجابت: پاسخ دادن، پذیرفتن، قبول کردن</p> <p>باک: ترس، هراس</p> <p>بحر: دریا؛ هم‌آوا با «بهر: حرف اضافه در معنای برای»</p> <p>بط: مرغابی</p> <p>بَلغ: رسید</p> <p>بی‌دریغ: بی‌منت، بدون مضایقه</p> <p>بی‌دل: عاشق</p> <p>بی‌نشان: معشوق، خداوند</p> <p>تربیت: پرورش، توجه و لطف</p> <p>ثمر: نتیجه</p> <p>جَل و علا: بزرگ و بلندمرتبه است؛ بعد از ذکر نام خداوند به‌کار می‌رود.</p> <p>جمال: زیبایی، زیبایی ازلی خداوند</p> <p>جیب: گریبان، یقه شهریور ۱۴۰۲</p>
--	--	---

ولایت هم‌آوا و تشابه

<p>منسوب: نسبت داده شده</p> <p>خرداد ۱۴۰۰ و ۲ بار تکرار</p> <p>منسوب: گمارده شده</p>	<p>صبا: باد بهاری</p> <p>سبا: سرزمینی در یمن کنونی</p>	<p>بحر: دریا خرداد ۹۹</p> <p>بهر: برای</p>	<p>خوان: سفره</p> <p>خان: رئیس قبیله</p>	<p>قربت: نزدیکی</p> <p>غربت: دوری، بیگانگی</p>
<p>مطاع: فرمانروا</p> <p>مطاع: کالا</p>	<p>تضرع: زاری</p> <p>تعرض: اعتراض، پرخاش، تجاوز</p>	<p>نثر: نوشته غیرمنظوم</p> <p>نصر: پیروزی</p>	<p>ثمر: نتیجه</p> <p>سمر: قضه، افسانه</p>	<p>حیات: زندگی</p> <p>حیاط: محوطه روباز</p>

گزاردن: رها کردن، قراردادن، وضع یا تأسیس کردن، اجازه دادن، عبور کردن و ...

گزاردن: به‌جای آوردن، انجام دادن، ادا کردن، تعبیر کردن، پرداختن و ...

ولایت هم‌آوا و تشابه

عزوجل و گرامی / طاعت و بندگی / قربت و نزدیکی دی ۱۴۰۲ خارج / مزیدنعمت / ممد حیات / مفرح ذات / تقصیر و کوتاهی / خوان و سفره / بی‌دریغ و بی‌منت / ناموس و آبرو / گناه فاحش / خلعت و جامه / فایق و برگزیده شهریور ۹۹ خارج و شهریور ۹۸ / باسق و بلند خرداد ۹۸ خارج / بنات نبات / قبا و لباس / صفوت و برگزیده خرداد ۱۴۰۳ و دی ۱۴۰۲ خارج / تتمه و باقی‌مانده / مطاع و فرمانروا / انابت و عذر / عاکف و عابد / حلیه و زینت / مستغرق و مجذوب / معاملات و اعمال عبادی / تحفه و ارمغان خرداد ۱۴۰۲ فتی / اصحاب و یاران / اعراض و روی‌گردانی / تضرع و زاری / ثمرت و نتیجه / فرو گذاشت و رها کرد / جسیم و قسیم و نسیم / وسیم و شفیع / موسم و ربیع / بط و ماهی / واصف و ستاینده / تحیر و سرگشتگی / عرفان و معرفت / انبساط و منبسط / مدعی و ادعا / مطاع و مطیع / قدوم و قدم / اکراه و مکروه / اطفال و طفل / خصال و خصلت / وظیفه روزی / خطای منکر / فرش زمردین / عصاره تاکی / شاهد فایق / جل و علا / صاحب‌دل / جیب مراقبت / شرط انصاف / رحمت عالمیان / صفوت آدمیان / مرغ سحر / مهد زمین / از بهر و برای دی ۱۴۰۲ و ۳ بار تکرار

شرح متن درس

مَنْتَ خدای را، عَزَّوَجَلَّ، که طاعتش موجب قُرْبَت است و به شکر اندرش مَزیدِ نعمت.

به آیه «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»: همانا اگر شکر کنید، [نعمت‌های] شما را افزون خواهم کرد.

معنی و مفهوم

معنی نثر: سپاس و نیکویی مخصوص خداوند گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است که عبادتش موجب نزدیکی به او و شکرگزاری از او موجب افزونی نعمت است. خرداد و دی ۹۹ خراج
مفهوم نثر: ۱) فرمانبری موجب قرب الهی است. ۲) شکرگزاری موجب افزونی نعمت است. مصداق آیه «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»: همانا اگر شکر کنید، قطعاً [نعمت‌های] شما را می‌افزایم.

مباحث دستوری

«را» ← حرف اضافه در معنای «برای» / به شکر اندر ← آوردن دو حرف اضافه برای یک متمم (ویژگی دستور تاریخی) / فعل [است] بعد از کلمه «نعمت» ← حذف به قرینه لفظی / «سَ ش» در «طاعتش، اندرش» ← مضاف‌الیه (در شکر کردنِ او)، مرجع ضمیر هر دو «ش» ← خداوند

آرایه‌های ابلی

قربت و نعمت ← سجع / به شکر اندرش مزید نعمت ← تلمیح

هر نفسی که فرو می‌رود، مِمَدِّ حیات است و چون برمی‌آید، مَفْرَحِ ذات.

معنی و مفهوم

معنی نثر: هر نفسی که پایین می‌رود (دم) یاری‌دهنده و باعث ادامه زندگی است. شهریور ۱۴۰۲ و وقتی بیرون می‌آید (بازدم) شادی‌بخش وجود است.

مباحث دستوری

فعل [است] بعد از «ذات» ← حذف به قرینه لفظی / خرداد ۹۸
فرو می‌رود، برمی‌آید ← تضاد / حیات و ذات ← سجع / خرداد ۱۴۰۲

پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب.

معنی و مفهوم

معنی نثر: پس در هر نفسی (دم و بازدم) دو نعمت وجود دارد و شکرگزاری برای هر نعمت واجب است. شهریور ۹۹ و دی ۹۸
مفهوم نثر: لزوم شکرگزاری خدا به سبب نعمت زندگی (زنده بودن)

مباحث دستوری

فعل [است] بعد از «واجب» ← حذف به قرینه لفظی / خرداد ۹۸ خارج
تکرار ← نعمت / موجود و واجب ← سجع / خرداد ۱۴۰۲

کز عمده شکرش به درآید؟

زبان ← مجاز از گفتار / خرداد ۹۹ / دست و زبان ← تناسب

از دست و زبان که برآید

مباحث دستوری

که ← ضمیر پرسشی، مضاف‌الیه / «سَ ش» در «شکرش» ← مضاف‌الیه، مرجع ضمیر «ش» ← خداوند

معنی و مفهوم

معنی بیت: هیچ‌کس قادر نیست با اعمال و گفتار خود شکر خداوند را به‌جا آورد. خرداد ۱۴۰۱ و دی ۹۹ خراج
مفهوم بیت: عجز و ناتوانی انسان در شکرگزاری خداوند

آرایه‌های ابلی

مصراع اول ← استفهام انکاری / دست ← مجاز از اعمال (توانایی)،

«اعملوا آل داؤد شُكراً وَ قَلِيلاً مِّنْ عِبَادِي الشُّكُورَ».

مفهوم نثر: ۱ لزوم شکرگزاری خداوند
۲ اندک بودن شکرگزاران واقعی

آرایه‌های ادبی

تضمین ← آیه ۱۳، سوره سبأ

معنی و مفهوم

معنی نثر: ای خاندان داود، خدا را سپاس‌گزار باشید در حالی که
عده کمی از بندگان من سپاس‌گزارند.

عذر به درگاهِ خدای آورد

بنده همان به که ز تقصیرِ خویش

معنی و مفهوم

معنی بیت: همان بهتر است که بنده به سبب کوتاهی در شکرگزاری
و عبادت در پیشگاه خداوند، عذرخواهی و توبه کند.
مفهوم بیت: توصیه به توبه و طلب عفو و رحمت الهی

مباحث دستوری

فعل [است] بعد از «به» ← حذف به قرینه معنایی دی ۱۴۰۲ خارج /
مرجع ضمیر «خویش» ← بنده / آورد ← مضارع التزامی (بی‌آورد)

آرایه‌های ادبی

بنده، تقصیر، عذر، درگاه خدا ← مراعات نظیر

کس نتواند که به جای آورد

ورنه، سزاوارِ خداوندی‌اش

معنی و مفهوم

معنی بیت: وگرنه کسی نمی‌تواند آن‌گونه که شایسته خداوند است،
شکرگزاری کند.
مفهوم بیت: اقرار به ناتوانی در ستایش و پرستش خداوند

مباحث دستوری

ورنه ← مخفّف «و اگر نه» / «ش» در «خداوندی‌اش» ←
مضاف‌الیه مضاف‌الیه (وابسته و وابسته) / آورد ← مضارع التزامی
(بی‌آورد)

بارانِ رحمتِ بی‌حساب همه را رسیده و خوانِ نعمتِ بی‌دریغش همه جا کشیده.

رسیده و کشیده ← سجع

مباحث دستوری

بی‌حساب ← صفت مضاف‌الیه (وابسته و وابسته) / «را» ← حرف
اضافه در معنای «به» / بی‌دریغ ← صفت مضاف‌الیه (وابسته و وابسته) /
«ش» در «بارانِ رحمتش، خوانِ نعمتش» ← مضاف‌الیه
مضاف‌الیه (وابسته و وابسته) / فعل [است] بعد از «رسیده، کشیده»
← حذف به قرینه معنایی، ماضی نقلی [رسیده است، کشیده است]

آرایه‌های ادبی

بارانِ رحمت ← اضافه تشبیهی / خوانِ نعمت ← اضافه تشبیهی /

کارگاه پژوهش

هیسج نقاشت نی بیند که نقشی بر کشد | وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده ای

معنی و مفهوم

معنی بیت: هیچ نقاشی تو را نمی بیند که نقشی از تو بکشد و آن کس که تو را دید، بر اثر حیرت و سرگشتگی، قلم از انگشتش (دستش) افتاد.

مفهوم بیت: ۱ نادیدنی بودن خداوند

۲ ناتوانی و سرگشتگی شاعر از توصیف خداوند خرداد ۹۸؛ بیت با عبارت «واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب که: ما غزفناک حق معرفتک» ارتباط مفهومی دارد.

مباحث دستوری

«ت» در «نقّاشت» ← مفعول (هیج نقّاش تو را نمی بیند) / «ش» در «حیرتش» ← مضاف‌الیه [جهش ضمیر؛ آن که دید از حیرت کلک از بنانش افکنده‌ای]

آرایه‌های ادبی

نقّاش و نقش ← جناس ناهمسان؛ اشتقاق ویژه علوم انسانی / نقّاش، نقش، کلک ← مراعات نظیر / کلک از بنان افکندن ← کنایه از نهایت حیرت و سرگشتگی

کنج حکمت

۱۹

گویند که بطی در آب روشنایی ستاره می‌دید. پنداشت که ماهی است؛ قصدی می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت. چون بارها بیازمود و حاصلی ندید، فرو گذاشت.

معنی و مفهوم

معنی نثر: نقل می‌کنند که یک مرغابی انعکاس نور ستاره‌ای را در آب می‌دید. گمان کرد آن نور، ماهی است. تلاش می‌کرد تا آن را بگیرد اما چیزی به دست نمی‌آورد. وقتی چندین بار تلاش کرد و نتیجه‌ای نگرفت، آن کار را رها کرد.

مباحث دستوری

گویند ← می‌گویند (مضارع اخباری) / چون ← حرف ربط وابسته‌ساز / هیچ ← ضمیر مبهم، مفعول / بیازمود ← ماضی ساده (آزمود)

آرایه‌های ادبی

بط و ماهی، آب و ماهی، روشنایی و ستاره ← تناسب

دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنایی است؛ قصدی نپیوستی و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند. **کلیده و دمنه، ترجمه نصرالله منشی**

معنی و مفهوم

معنی نثر: روز دیگر، هرگاه ماهی می‌دید، تصوّر می‌کرد که همان روشنایی است و تلاشی نمی‌کرد و نتیجه این تجربه آن بود که همیشه گرسنه می‌ماند.

مفهوم نثر: ۱ نکوهش قیاس نابجا

۲ نتیجه مقایسه نابجا، شکست و ناکامی است.

مباحث دستوری

دیگر روز ← روز دیگر (ترکیب وصفی)؛ صفت مبهم (دیگر) در جایگاه وابسته پیشین قرار گرفته است. / ثمرت و تجربت ← ویژگی سبکی (ثمره، تجربه) / بدیدی، گمان بردی، نپیوستی ← ماضی استمراری (می‌دید، گمان می‌برد، نمی‌پیوست) / بماند ← مآذ (ماضی ساده) / همه ← صفت مبهم



آموزش دستور

آموزش آرایه

دوم درس

مست و هشیار

ولایتنامه کتاب درسی

<p>و نزد خود نگه داشتن؛ موفق شدن در مسابقه و به دست آوردن گرو</p> <p>محتسب: مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام دین و رسیدگی به اجرای احکام شرعی بود.</p> <p>مُدام: همیشه، پیوسته، می</p> <p>واعظ: پنددهنده، سخنور اندرزگو</p> <p>والی: حاکم، فرمانروا</p> <p>خرداد ۹۸ خارج</p> <p>وجه: ذات، وجود</p>	<p>زاهد: پارسای گوشه‌نشین که میل به دنیا و تعلقات آن ندارد.</p> <p>صنعت: پیشه، کار، حرفه</p> <p>صواب: درست، پسندیده، مصلحت؛ هم‌آوا یا «ثواب = اجر و پاداش»</p> <p>غرامت: تاوان، جبران خسارت مالی و غیر آن</p> <p>گرو: دارایی یا چیزی که برای مطمئن ساختن کسی در به انجام رساندن تعهدی به او داده می‌شود؛ گرو بردن: مال کسی را به عنوان وثیقه گرفتن</p>	<p>شب‌گرد</p> <p>درهم: دِزَم، مسکوک نقره، که در گذشته به عنوان پول رواج داشته و ارزش آن کسری از دینار بوده است؛ در متن درس، مطلق «پول» مورد نظر است.</p> <p>دینار: واحد پول، سکه طلا که در گذشته رواج داشته است. در متن درس، مطلق «پول» است؛ وزن و ارزش دینار در دوره‌ها و مناطق مختلف، متفاوت بوده است.</p> <p>ذوالجلال: خداوند، پروردگار، خداوند صاحب جلال و عظمت</p>	<p>ادیب: آداب‌دان، ادب‌شناس، سخن‌دان، معلم و مرتبی</p> <p>افسار: تسمه و ریسمانی که به سر و گردن اسب و الاغ و ... می‌بندند.</p> <p>اکراه: ناخوشایند بودن، ناخوشایند داشتن امری</p> <p>تزویر: نیرنگ، دورویی، ریاکاری</p> <p>حد: کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار و مجرم</p> <p>شهریور ۹۹ خارج</p> <p>خمار: می‌فروش خرداد ۹۹ ؛ خانه خمار: میخانه</p> <p>دار ملک: سرزمین</p> <p>داروغه: پاسبان و نگهبان،</p>
--	---	--	--



سایر ولایات

<p>منظر: دیدگاه، نظرگاه</p> <p>هان: آگاه باش، به هوش باش؛ شبه جمله است برای بیان «تنبیه و تحذیر»</p>	<p>عار: عیب، ننگ و رسوایی</p> <p>عیش: خوش‌گذرانی</p> <p>غریق: غرق شده</p> <p>گریبان: یقه پیراهن</p> <p>مُلک: سرزمین، کشور، مملکت</p>	<p>راهرو: رهرو، رونده، سالک، مرید</p> <p>راهبر: رهبر، راهنما، پیشوا</p> <p>سرا: خانه</p> <p>شرع: دین، شریعت</p> <p>صاحب‌خبر: عارف، آگاه</p>
--	---	--

ولایتنامه هم‌آوا و مشابه

<p>صد: اولین عدد سه رقمی</p> <p>سد: مانع، حایل</p>	<p>عار: ننگ</p> <p>آر: بن مضارع از آوردن</p>	<p>مأمور: امر شده</p> <p>معمور: آباد</p>	<p>صواب: درست، مصلحت</p> <p>ثواب: پاداش</p>	<p>قاضی: داور</p> <p>غازی: جنگجو، معرکه‌گیر</p> <p>خمار: می‌فروش</p> <p>خمار: دردسر و ملالی که پس از مستی عارض شود.</p> <p>خمار: مقنعه</p>
--	--	--	---	---

دلگشاخ مهم لطیف

محتسب و مأمور / افسار و تسمه / قاضی و دادگاه / داروغه و پاسبان / غرامت و تاوان / خرداد و شهریور ۱۴۰۰ و خرداد ۹۹ / عار و ننگ / درهم و دینار / حد و مجازات شرعی / عاجز و ناتوان / واعظ و اندرزگو / تزویر و دورویی / زیر و زبر / اکراه و مکروه / عیش و معیشت / واعظ و موعظه / منظر و نظر / سرای والی / کار شرع / حاضر جواب / زر و مس / زاهد ظاهر پرست / ادیب عشق / ذوالجلال / وجه خدا / هوای وصال / غریق بحر / صواب و مصلحت و درست / شهریور ۱۴۰۱

شرح متن درس

مست گفت: «ای دوست، این پیراهن است آفتد»

جناس ناهمسان (اختلافی) / قالب شعر «قطعه» است. شهریور ۱۴۰۳

معنی و مفهوم

معنی بیت: مأمور حکومتی شهر مستی را در راه دید و بقیه پیراهنش را گرفت. دی ۱۴۰۱ مست گفت: رفیق، این پیراهن است که گرفته‌ای، ریسمان بستن حیوان نیست. دی ۹۸ خارج (اظهار نظر و پاسخ مست، هشیارانه و آگاهانه است).

مفهوم بیت: بدرفتاری مأموران حکومتی با مردم / خرداد ۱۴۰۰ خارج

محب مستی به ره دید و کریانش گرفت

مباحث دستوری

«ش» در «گریانش» ← مضاف‌الیه، مرجع ضمیر «ش» ← مست / ره ← مخفف راه، متمم / پیراهن، افسار ← مسند / و ← پیوند هم‌پایه‌ساز / بیت «۶ جمله» دارد.

آرایه‌های ادبی

گریبان و پیراهن ← تناسب / است و نیست ← تضاد / واج‌آرایی ← تکرار صامت «س» / تکرار ← مست / مست و است ←

گفت: «بزم راه رقتن نیست، ره هموار نیست»

به شیوه «مناظره» سروده شده است. دی ۱۴۰۳

معنی و مفهوم

معنی بیت: مأمور به او گفت: تو مست هستی، به همین دلیل تعادل نداری و تلو تلو می‌خوری. مست گفت: گناه از راه رفتن من نیست، راه هموار نیست. شهریور ۱۴۰۰ و ۲ بار تکرار (در این بیت، مأمور به بیان مسائل آشکار و ظاهری می‌پردازد، در حالی که مست در جوابش از نابسامانی‌ها و فساد حاکم بر جامعه سخن می‌گوید و خود را تبرئه می‌کند).

مفهوم بیت: اوضاع نابسامان جامعه، زمینه‌ساز ارتکاب گناه است. شهریور ۹۸ تا ۱۴۰۰ و ۴ بار تکرار

گفت: «مستی، زان سب افغان و خیزان می‌روی»

مباحث دستوری

«ی» در «مستی» ← مخفف فعل اسنادی «هستی» / دی ۱۴۰۰ / افغان و خیزان ← قید / هر دو «نیست» در مصراع دوم ← فعل اسنادی / جرم و هموار ← مسند / دی ۹۷ خارج

آرایه‌های ادبی

افغان و خیزان ← تضاد / واج‌آرایی ← تکرار صامت «ر» / ره هموار نیست ← کنایه از نامساعد بودن شرایط جامعه و وجود فساد در جامعه / افغان و خیزان رفتن ← کنایه از تعادل نداشتن / این شعر

گفت: «روح صبح آبی، قاضی نیمه شب بیدار نیست»

آرایه‌های ادبی

صبح، نیمه‌شب ← تضاد / رو، آبی ← تضاد / تکرار ← قاضی / بیدار ← ایهام: ۱) مقابل «خواب» ۲) هوشیار (مقابل مست)

گفت: «می‌باید تو را تا خسته قاضی بزم»

مباحث دستوری

می‌باید بزم ← باید ببرم (مضارع التزامی) / «را» ← نشانه مفعول / رو، آبی ← فعل امر

شعرخوانى در مکتب حقایق

ای بی خبر، بکوش که صاحب خبر شوی

تا اهر و نباشی، کی راهبر شوی؟

دی ۱۴۰۳ و ۹۹

شعر «تعلیمی و اندرزی» است.

مباحث دستوری

بی خبر ← منادا / صاحب‌خبر، راهرو، راهبر ← مسند / بیت «۵ جمله» دارد. / «که» و «تا» ← حرف ربط وابسته‌ساز

آرایه‌های ابلی

بی‌خبر و صاحب‌خبر ← تضاد / کی راهبر شوی ← استفهام انکاری (راهبر نمی‌شوی) / واج‌آرایی ← تکرار صامت‌های «ب» و «ر» / که و کی ← جناس ناهمسان (اختلافی) / برای خوانش این شعر، لحن آرام و نرمی و ملایمت در گفتار باید رعایت شود؛ زیرا محتوای

معنی و مفهوم

معنی بیت: ای کسی که از شناخت و معرفت خدا بی‌خبری، در سلوک عارفانه تلاش کن تا معرفت کسب کنی و سالک راه حق باشی؛ زیرا رسیدن به کمال و مقام رهبری در گرو پیروی از پیران طریقت است. **مفهوم بیت:** دعوت به تلاش، ریاضت و کسب معرفت در سیر و سلوک عارفانه

در مکتب حقایق پیش ادیب عشق

هان ای پسر، بکوش که روزی پدر شوی

خرداد ۱۴۰۳ و دی ۱۴۰۲

پسر ← استعاره از زهرو یا سالک یا مرید / پدر ← استعاره از مراد یا پیر یا مرشد (انسان کامل) / پدر و پسر ← جناس ناهمسان (اختلافی)

مباحث دستوری

هان ← شبه جمله / پسر ← منادا / پدر ← مسند / بیت «۴ جمله» دارد: ۱ هان ۲ ای پسر ۳ در مکتب حقایق ... بکوش ۴ که روزی پدر شوی

آرایه‌های ابلی

مکتب حقایق، ادیب عشق ← اضافه تشبیهی / مکتب و ادیب، پسر و پدر ← تناسب / پدر شدن ← کنایه از راهبر و مراد شدن /

معنی و مفهوم

معنی بیت: ای جوینده حقیقت، آگاه باش و در مکتب حقیقت جویی و در پیشگاه مرتبی عشق (پیر عارف) تلاش کن تا روزی به مقام پیر عرفانی (انسان کامل) دست یابی. **مفهوم بیت:** لزوم پیروی از پیر عرفانی برای رسیدن به کمال و مقام ارشاد

دست ازمس وجود چو مردان ره شوی

تا کیمیای عشق بیانی و زر شوی

دی ۹۹ خارج و شهریور ۹۸

زر شدن ← کنایه از تکامل یافتن و ارزشمند شدن / شهریور ۹۸ / کیمیای عشق را یافتن ← کنایه از عاشق شدن / مس ← نماد کم ارزشی / کیمیا ← نماد هر چیز با ارزش و کمیاب / زر ← نماد ارزشمندی

مباحث دستوری

مصراع اول ← جمله پایه، مصراع دوم ← جمله پیرو / چو ← حرف اضافه، مردان ← متمم / تا ← پیوند وابسته‌ساز / کیمیای عشق ← گروه مفعولی / زر ← مسند

آرایه‌های ابلی

مس وجود ← اضافه تشبیهی / خرداد ۹۸ خارج / چون مردان ره ← تشبیه / خرداد ۹۸ خارج / کیمیای عشق ← اضافه تشبیهی / خرداد ۹۸ / زر شوی ← تشبیه / مس و زر ← تضاد / مس، کیمیا، زر ← مراعات‌نظیر / دست شستن از چیزی ← کنایه از رها کردن چیزی /

معنی و مفهوم

معنی بیت: ای جوینده حقیقت، وجود مادی خود را که همچون فلز مس بی‌ارزش است، ترک کن تا عشق را که مانند کیمیا ارزشمند است به دست آوری و وجودت همچون طلا ارزشمند شود. **مفهوم بیت:** ۱ ترک وجود مادی لازمه عشق‌ورزی است. ۲ عشق مایه کمال و ارزشمندی است. (با بیت پنجم مفهوم مشترک دارد.)

آزمون‌های فصل اول

آزمون ۱

بارم	سؤالات امتحانی		ردیف											
	قلمرو زبانی	۷ نمره												
۰/۲۵	کدام معنی از واژه «قدوم» در عبارت «اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده» بر نمی‌آید؟ (۱) فرارسیدن (۲) قدم نهادن (۳) گام‌ها (۴) آمدن		۱											
۰/۲۵	در بیت زیر، یک برابر معنایی مناسب برای واژه «پسندیده» بیابید. «چو عاجز گشت خسرو در جوابش نیامد بیش پرسیدن صوابش»		۲											
۰/۵	از میان واژگان ردیف «ب»، واژه‌ای مناسب برای عبارت‌های ردیف «الف» بیابید. (دو واژه اضافی است.)	<table border="1"> <thead> <tr> <th>الف</th> <th>ب</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>الف) دارایی یا چیزی که برای مطمئن ساختن کسی در به انجام رساندن تعهدی به او داده می‌شود.</td> <td>حکیم</td> </tr> <tr> <td>ب) از نام‌های خداوند؛ بدین معنا که همه کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کار بیهوده انجام نمی‌دهد.</td> <td>ذوالجلال</td> </tr> <tr> <td></td> <td>گرامت</td> </tr> <tr> <td></td> <td>گرو</td> </tr> </tbody> </table>	الف	ب	الف) دارایی یا چیزی که برای مطمئن ساختن کسی در به انجام رساندن تعهدی به او داده می‌شود.	حکیم	ب) از نام‌های خداوند؛ بدین معنا که همه کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کار بیهوده انجام نمی‌دهد.	ذوالجلال		گرامت		گرو		۳
الف	ب													
الف) دارایی یا چیزی که برای مطمئن ساختن کسی در به انجام رساندن تعهدی به او داده می‌شود.	حکیم													
ب) از نام‌های خداوند؛ بدین معنا که همه کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کار بیهوده انجام نمی‌دهد.	ذوالجلال													
	گرامت													
	گرو													
۰/۲۵	با توجه به متن زیر، شکل درست واژه‌ای را که املاي آن <u>غلط</u> است، بنویسید. «گویند که بطی در آب روشنایی ستاره می‌دید. پنداشت که ماهی است؛ قصدی می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت. چون بارها بیازمود و حاصلی ندید، فرو گذاشت. دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنایی است؛ قصدی نپیوستی و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند.»		۴											
۰/۲۵	کدام یک از ابیات زیر، فاقد غلط املائی است؟ (۱) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی (۲) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی همه بیشی تو بگاهی، همه کتی تو فضایی		۵											
۰/۵	در موارد زیر، املاي دو واژه نادرست است؛ آن‌ها را بیابید و شکل درست هر یک را بنویسید. الف از بهر تو سد بار ملامت بکشم ب یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر ب هرگاه که یکی از بندگان گنهکار پریشان روزگار، دست عنایت به امید اجابت به درگاه حق بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند. گر بشکنم این عهد، غرامت بکشم کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی		۶											
۰/۵	در بیت و عبارت زیر، املاي درست واژه را از داخل کمانک برگزینید. الف گفت مست: ای محتسب، (بگذار / بگزار) و رو / از برهنه کی توان بردن گرو؟ ب واصفان حلیة جمالش به تحیر (منسوب / منسوب) که: ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ.		۷											

قلمرو ادبی		۵ نمره												
۰/۲۵	۱۷	در اصطلاح ادبی، شیوه گفت‌وگوی بیت زیر چه نام دارد؟ «بگفت از دل شدی عاشق بدین سان؟ بگفت از دل تو می‌گویی، من از جان»												
۰/۵	۱۸	آرایه ادبی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) چه غم دیوار آمد را که دارد چون تو پشتیبان؟ چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟ (اسلوب معادله/جناس) ب) یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی (ایهام / متناقض نما)												
۰/۲۵	۱۹	واژگان مشخص شده در عبارت زیر، آفریننده کدام آرایه ادبی است؟ «برده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منگر نبرد.»												
۱	۲۰	آرایه‌های ادبی ذکر شده در ستون «ب» به کدام یک از بیت‌های ستون «الف» مربوط می‌شود؟ (در ستون «ب»، یک آرایه اضافی است.)												
		<table border="1"> <thead> <tr> <th>الف</th> <th>ب</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>الف) گفت: می‌باید تو را تا خانه قاضی بزم / گفت: رو، صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست</td> <td>۱- ایهام تناسب</td> </tr> <tr> <td>ب) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟ / بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک</td> <td>۲- تشبیه</td> </tr> <tr> <td>پ) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی</td> <td>۳- جناس</td> </tr> <tr> <td>ت) لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی</td> <td>۴- تشخیص</td> </tr> <tr> <td></td> <td>۵- ایهام</td> </tr> </tbody> </table>	الف	ب	الف) گفت: می‌باید تو را تا خانه قاضی بزم / گفت: رو، صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست	۱- ایهام تناسب	ب) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟ / بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک	۲- تشبیه	پ) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی	۳- جناس	ت) لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی	۴- تشخیص		۵- ایهام
الف	ب													
الف) گفت: می‌باید تو را تا خانه قاضی بزم / گفت: رو، صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست	۱- ایهام تناسب													
ب) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟ / بگفت آن‌گه که باشم خفته در خاک	۲- تشبیه													
پ) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی	۳- جناس													
ت) لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی	۴- تشخیص													
	۵- ایهام													
۰/۵	۲۱	در تشبیه موجود در بیت زیر، «مشبه» و «مشبه‌به» را بیابید. «عاشقان کشتگان معشوق‌اند بر نیایند ز کشتگان آواز»												
۰/۵	۲۲	درستی یا نادرستی عبارت‌های زیر را مشخص کنید. الف) پروین اعتصامی، گفت‌وگوی «مست و هشیار» را در قالب قصیده و به شیوه مناظره سروده است. ب) مناظره «خسرو و فرهاد» سروده نظامی گنجه‌ای است.												
۰/۵	۲۳	بیت‌های زیر را از نظر شیوه بیان (جد / طنز) مشخص کنید. الف) با محتسبم عیب مگو بید که او نیز پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است ب) از بهر تو صدمبار ملامت بکشم گر بشکنم این عهد، غرامت بکشم												
۰/۲۵	۲۴	کتاب «کلیله و دمنه» ترجمه است.												
۰/۲۵	۲۵	کدام یک از آثار زیر در حوزه ادبیات تعلیمی جای نمی‌گیرد؟ ۱) گلستان سعدی ۲) غزلیات حافظ ۳) دیوان پروین اعتصامی ۴) کلیله و دمنه												
۰/۵	۲۶	مصراع دوم بیت زیر را بنویسید. «از پای تا سرت همه نور خدا شود												
۰/۲۵	۲۷	مصراع نخست بیت زیر را مرتب کنید. «حق - به - نور - دل - اوفتد - و - عشق - گر - جانت بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی»												
۰/۲۵	۲۸	آیا مصراع نخست بیت زیر، به درستی ذکر شده است؟ «گر در سرت هوای وصال است، حافظا باید که خاک درگه اهل هنر شوی»												

قلمرو فکری ۸ نمره

۲۹	مصراع «گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست» به کدام پدیده اجتماعی زمان شاعر اشاره دارد؟	۵/۵												
۳۰	مفهوم مشترک بیت‌های زیر را بنویسید. الف) یک دم غریق بحر خدا شوگمان مبر ب) بنیاد هستی تو چو زیر و زبر شود کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی در دل مدار هیچ که زیر و زبر شوی	۵/۵												
۳۱	مصراع «همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی» بیانگر کدام صفات خداوند است؟	۵/۵												
۳۲	در عبارت زیر، مقصود از «به طریق انبساط» چیست؟ «یکی از یاران به طریق انبساط گفت: از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»	۵/۵												
۳۳	نمونه‌های ستون «الف» با کدام یک از آیات و احادیث ستون «ب» مفهوم یکسانی دارند؟ (در ستون «ب»، یک مورد اضافی است).	۱												
	<table border="1"> <thead> <tr> <th>الف</th> <th>ب</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>الف) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی</td> <td>۱) لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ</td> </tr> <tr> <td>ب) نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی</td> <td>۲) يَا مَلَايِكَتِي قَدْ اسْتَخِينْتِ مِنْ عَبْدِي وَ لَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ</td> </tr> <tr> <td>پ) همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی</td> <td>۳) مَا عَزَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ</td> </tr> <tr> <td>ت) گرم بین و لطف خداوندگار / گنه بنده کرده است</td> <td>۴) هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ</td> </tr> <tr> <td>واو شرمسار</td> <td>۵) تَعَزُّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تُدَلُّ مِنْ تَشَاءٍ</td> </tr> </tbody> </table>	الف	ب	الف) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی	۱) لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ	ب) نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی	۲) يَا مَلَايِكَتِي قَدْ اسْتَخِينْتِ مِنْ عَبْدِي وَ لَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ	پ) همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی	۳) مَا عَزَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ	ت) گرم بین و لطف خداوندگار / گنه بنده کرده است	۴) هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ	واو شرمسار	۵) تَعَزُّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تُدَلُّ مِنْ تَشَاءٍ	
الف	ب													
الف) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی	۱) لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ													
ب) نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی	۲) يَا مَلَايِكَتِي قَدْ اسْتَخِينْتِ مِنْ عَبْدِي وَ لَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ													
پ) همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی	۳) مَا عَزَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ													
ت) گرم بین و لطف خداوندگار / گنه بنده کرده است	۴) هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ													
واو شرمسار	۵) تَعَزُّ مِنْ تَشَاءٍ وَ تُدَلُّ مِنْ تَشَاءٍ													
۳۴	سنایی در بیت زیر، چاره‌رهایی از عذاب دوزخ را چه می‌داند؟ «لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی»	۵/۵												
۳۵	مفهوم بیت زیر از کدام گزینه، قابل استنباط است؟ «هیچ نقاشی نمی‌بیند که نقشی برکشد وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای» ۱) واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب که: «ما عَزَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ» ۲) عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: «ما عَبْدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ»	۲۵/۵												
۳۶	در بیت کدام گزینه، بر «حاکمیت فقر در جامعه» اشاره شده است؟ ۱) گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان گفت: کار شرع، کار درهم و دینار نیست ۲) گفت مست: ای محتسب، بگذار و رو از برهنه کسی توان بردن گرو؟	۲۵/۵												
۳۷	معنی هریک از مصراع‌ها و عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید. الف) وظیفه روزی به خطای مُنکر نَبُرد. ب) نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی پ) یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود. ت) عصا تاکی به قدرت او شهد فایق شده. ث) گفت: نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم ج) گفت: جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست ح) بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟ خ) گفت: از بهر غرامت جامه‌ات بیرون کنم	۵/۵												

آزمون ۲

ردیف	سوالات امتحانی		بارم
	قلمرو زبانی	نمره	
۱	در مصراع «وجه خدا اگر شودت منظر نظر»، معنای واژه مشخص شده چیست؟		۰/۲۵
۲	معادل درست هر توضیح را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) کمال توجه بنده به حق و یقین بر اینکه خداوند در همه احوال عالم بر ضمیر اوست. (مراقبت / مکاشفت) ب) پارسای گوشه‌نشین که میل به دنیا و تعلقات آن ندارد. (واعظ / زاهد)		۰/۵
۳	در بیت زیر، کدام واژه متضاد واژه «دُل» است؟ «همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی»		۰/۲۵
۴	در بیت زیر، واژه‌ای بیابید که در زبان فارسی «هم‌آوا» داشته باشد. «گفت: آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه گفت: در سر عقل باید، بی‌کلاهی عار نیست!»		۰/۲۵
۵	در موارد زیر، املاي درست واژه را از داخل کمانک برگزینید. الف) توحکیمی توعظیمی توکریمی تورهیمی ب) ممتّ خدای را، عزّوجلّ. که طاعتش موجب (قربت / غربت) است و به شکر اندرش مزید نعمت. تو نماینده فضلای تو سزاوار (سنایی / ثنایی)		۰/۵
۶	در کدام‌یک از بیت‌های زیر، غلط املايي وجود دارد؟ درست آن را بنویسید. (۱) گفت: از بهر غرامت جامه‌ها بیرون کنم (۲) یک دم غریق بهر خدا شو گمان مبر گفت: پوسیده است، جز نقشی ز بود و تار نیست کز آب هفت بحر به یک سوی تر شوی		۰/۵
۷	کدام‌یک از عبارتهای زیر، فاقد غلط املايي است؟ (۱) عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف و واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب. (۲) سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و سفوت آدمیان و تتمه دور زمان.		۰/۲۵
۸	در گروه واژه‌های زیر، دو نادرستی املايي وجود دارد: آن‌ها را بیابید و شکل درست هریک را بنویسید. «بط و مرغابی - خداوند ذوالجلال - کشته‌گان معشوق - داروغه و پاسبان - فاحش و واضح - متاع و فرمانروا - صواب و مصلحت - خوان و سفره»		۰/۵
۹	نقش دستوری واژه مشخص شده در مصراع «بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک؟» با کدام واژه در بیت زیر یکسان است؟ «زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست در حق ما هرچه گوید، جای هیچ اکراه نیست»		۰/۲۵
۱۰	با توجه به بیت «هیچ نقّاشت نمی‌بیند که نقشی برکشد / وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای»: الف) نقش دستوری ضمیر متصل «ت» در مصراع اول چیست؟ ب) ضمیر متصل «ش» در مصراع دوم، مضاف‌الیه کدام واژه است؟		۰/۵
۱۱	نوع «را» مشخص شده در عبارت زیر چیست؟ «درختان را به خلعت نوری قیای سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.»		۰/۲۵

فصل ۱ (آزمون ۱)

۱۰ چهار مفعول (۵/۲۵):

گفت: باید حد زند هشیار مردم مست را

مفعول ۱

مفعول ۴

گفت: هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست!

مفعول ۳

توجه: برای پیدا کردن «مفعول» در اشعار و عبارات، کافی است فعل‌های مفعول‌پذیر را بیابید و به تعداد آن فعل‌ها، مفعول در نظر بگیرید؛ پس «تعداد مفعول در بیت = تعداد فعل مفعول‌پذیر در بیت».

۱۱ «نیست» در مصراع اول: به معنی «نمی‌باشد»

(فعل اسنادی) (۵/۲۵)

«نیست» در مصراع دوم: به معنی «وجود ندارد»

(فعل غیراسنادی) (۵/۲۵)

۱۲ الف شش جمله (۵/۲۵) (در مصراع دوم، بعد از «کجا»

فعل «می‌دانی / معلوم است» به قرینه معنایی محذوف است.)

ب غیراسنادی (در معنی «حضور ندارد») (۵/۲۵)

پ والی (مصراع اول): مضاف‌الیه (۵/۲۵) / سرا: نهاد (۵/۲۵)

۱۳ گزینه «۱» (۵/۲۵): نقش دستوری ضمیر متصل «ت» در

مصراع سؤال و گزینه «۱» مفعول است: هیچ نقاشی تو را نمی‌بیند.

خواب و خور تو را از مرتبه خویش دور کرد؛ اما در گزینه «۲»

مضاف‌الیه است: اگر وجه خدا منظر نظر تو شود ...

۱۴ الف واژه «عیب» (۵/۲۵) (به محاسب عیب من را

مگوید.)

ب عیب: مفعول (۵/۲۵) / ما: متمم (۵/۲۵) («چو» به معنی

«مثل و مانند» به کار رفته، پس حرف اضافه است.)

۱۵ الف مسند (۵/۲۵)

ب نهاد (جان آن سوخته رفت) (۵/۲۵)

۱۶ الف نادرست (۵/۲۵): «را» حرف اضافه در معنی «به» است.

ب درست (۵/۲۵)

۱ گزینه «۳» یعنی «گام‌ها» (۵/۲۵)

۲ صواب (۵/۲۵)

۳ الف گرو (۵/۲۵) ب حکیم (۵/۲۵)

۴ فرو گذاشت ← فرو گذاشت (۵/۲۵)

توجه: معانی «گذارن»: ۱- رها کردن (فروگذار) ۲- قرار دادن (مین‌گذار) ۳- وضع کردن (قانون‌گذار) ۴- تأسیس کردن (بنیان‌گذار) ۵- اجازه دادن (بگذار) ۶- عبور کردن (رهگذار) «معانی گزارن»: ۱- به جای آوردن (شکرگزار، سپاس‌گزار) ۲- ادا کردن (نمازگزار) ۳- انجام دادن (خدمت‌گزار) ۴- تعبیر و تفسیر کردن (خواب‌گزار) ۵- پرداخت کردن (وام‌گزار)

۵ گزینه «۱» (۵/۲۵): در گزینه «۲»، املای واژه «فضایی» نادرست آمده است؛ شکل درست آن «فزایی» است.

۶ الف ~~بند~~ ← صد (۵/۲۵)پ ~~عتاب~~ ← انابت (۵/۲۵)

۷ الف بگذار (رها کن) (۵/۲۵)

ب منسوب (نسبت داده شده) (۵/۲۵)

۸ ۱- حلیه و زیور (۵/۲۵) ۲- شبه و همسان (۵/۲۵)

۹ گزینه «۲» (۵/۲۵): در این گزینه، فعل «می‌رسد» در عبارت «ریشه‌های ما به آب [می‌رسد]» به قرینه لفظی حذف شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: حذف فعل کمکی [است] در پایان دو جمله به قرینه معنایی. (رسیده [است] / کشیده [است])

گزینه «۳»: حذف فعل [است] در هر دو مصراع به قرینه معنایی. (چه غم [است] دیوار امت ... / چه باک [است] از موج بحر ...)

گزینه «۴»: حذف [با تو هستم] بعد از منادا (واعظ) به قرینه معنایی.

آزمون ماهی پایان نوبت اول

آزمون ۱

ردیف	سؤالات امتحانی	بارم
قلمرو زبانی ۷ نمره		
۱	کدام معنی از واژه «دمساز» در مصراع «همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟» بر نمی آید؟ (۱) مونس (۲) همراز (۳) همراه (۴) درد آشنا	۰/۲۵
۲	برای واژه مشخص شده در عبارت «سه مرکب دارم؛ باز بسته؛ چون نعمتی پدید آید، بر مرکب شکر نشینم.» یک برابر معنایی مناسب از بیت زیر بیابید. «با محتسبم عیب مگویند که او نیز پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است»	۰/۲۵
۳	کدام یک از واژه‌های داخل کمانک، از معنای واژه «صواب» نیست؟ «چو عاجز گشت خسرو در جوابش نیامد بیش پرسیدن صوابش» (درست، مصلحت، سزاوار، پسندیده)	۰/۲۵
۴	در بیت زیر، معنی واژه مشخص شده را بنویسید. «سریر مُلک، عطا داد کردگار تو را به جای خویش دهد هرچه کردگار دهد»	۰/۲۵
۵	در متن زیر، یک نادرستی املائی وجود دارد؛ آن را بیابید و شکل درست آن را بنویسید. «برای کسانی که به آتش سرخ بن و بلوط خو گرفته بودند، ذغال منقل و نفت بخاری آفت بود. برای مادرم که سراسر عمرش را در چادر باز و پُرهوای عشایری به سر برده بود، تنفس در اتاقکی محصور، دشوار و جان فرسا بود.»	۰/۲۵
۶	املائی درست هر واژه را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) نشاط (قریت/غربت) ازدل کی برد حَبّ وطن بیرون؟ ب) بگسَل ز بی این (اثاث / اساس) تزویر به تخت مصرم اما جای در بیت الحزن دارم بگسَل ز هم این نژاد و پیوند	۰/۵
۷	در هر یک از موارد زیر، یک نادرستی املائی وجود دارد؛ شکل درست آن‌ها را بنویسید. الف) عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف و واصفان هلیه جمالش به تحیر منسوب. ب) پیرمرد از داخل کازیه روی میز، یک پاکت کهنه را برداشت و حواله مخارج غریب شش ماه من را نوشت. ب) از پای تا سرت همه نور خدا شود در راه زوال جلال چو بی‌پا و سر شوی	۰/۷۵
۸	در گروه واژه‌های زیر، دو مورد نادرستی املائی وجود دارد؛ آن‌ها را بیابید و درست هر یک را بنویسید. «بُهت و حیرت - غایت القصوای مقصود - تیلسان و ردا - نشئه پاک آن اسرا - فخر و مباحات - یغما و غارت - آجر و ملات گچ - کهر و کوند - مشایعت و بدرقه.»	۰/۵

۰/۵	با توجه به بیت زیر، درستی یا نادرستی گزاره‌های زیر را تعیین کنید. «خواب و خورت ز مرتبهٔ خویش دور کرد / آن‌گه رسی به خویش که بی‌خواب و خور شوی» درست نادرست	۹
	الف ضمیر پیوستهٔ «ت» مضاف‌الیه واژهٔ «دور» است. ب ساختار جملهٔ مصراع اول «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است.	
۰/۲۵	فعل «نیست» در کدام گزینه از نظر «کاربرد معنایی» متفاوت است؟ (۱) لیک چشم و گوش را آن نور نیست (۲) با جان بودن به عشق در سامان نیست (۳) در حق ما هرچه گوید، جای هیچ اکراه نیست (۴) گفت: والی از کجا در خانهٔ خمار نیست؟	۱۰
۰/۵	نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را از داخل کمانک روبه‌رو برگزینید. الف ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد (صفت / مضاف‌الیه) ب عشق، بنده را به خدا رساند، پس عشق از بهر این معنی، فرض راه آمد. (مسند / نهاد)	۱۱
۰/۵	در بیت «ای مشت زمین بر آسمان شو / بر وی بنواز ضربتی چند» یک «ترکیب وصفی» و یک «ترکیب اضافی» بیابید.	۱۲
۰/۵	در هریک از بیت‌های زیر، نوع «حذف» را مشخص کنید. الف هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت / آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت ب نی، حریف هر که از یاری بُرید / پرده‌هایش پرده‌های ما درید	۱۳
۰/۵	با توجه به بیت «ای مادر سرسپید، بشنو / این پند سیاه‌بخت فرزند»: الف در مصراع دوم، نوع «وابستهٔ وابسته» را مشخص کنید. ب نمودار پیکانی «وابستهٔ وابسته» را رسم کنید.	۱۴
۰/۲۵	در کدام گزینه، نقش دستوری ضمایر پیوستهٔ مشخص شده متفاوت است؟ (۱) نمی‌دانستم که اسب و زینم را می‌گیرند و پشت میز و نیمکت مدرسه‌ام می‌نشانند. (۲) نمی‌دانستم که تفنگ مشقی قشنگم را می‌گیرند و قلم به دستم می‌دهند.	۱۵
۰/۲۵	نوع «و» را در بیت زیر تعیین کنید. «جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن / بَدَر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است»	۱۶
۰/۷۵	در بیت «سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق»: الف جملهٔ «وابسته» (پیرو) را مشخص کنید. ب کدام واژه «وابستهٔ وابسته» است؟ نوع آن را بنویسید.	۱۷
قلمرو ادبی ۵ نمره		
۰/۵	با توجه به متن «فَراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین را بگسترند و دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد»: الف کدام‌یک از واژه‌های مشخص شده، «مشبه» است؟ ب ترکیب «فرش زمردین» بیانگر کدام آرایهٔ ادبی است؟	۱۸
۰/۵	آرایهٔ درست را از کمانک روبه‌رو برگزینید. الف گفتی: «به روزگاران مهری نشسته» گفتم: «بیرون نمی‌توان کرد حتی به روزگاران» (جناس / تضمین) ب در عالم پیر، هرکجا برنایی است / عاشق بادا که عشق خوش سودایی است (ایهام / مجاز)	۱۹



۰/۲۵	مضمون مشترک گزینه‌های زیر را بنویسید. الف بی‌عشق زیستن را جز نیستی، چه نام است؟ یعنی اگر نباشی، کار دلم تمام است ب وجود عاشق از عشق است؛ بی‌عشق چگونه زندگانی کند؟! حیات از عشق می‌شناس و قیات بی‌عشق می‌یاب.	۳۶										
۰/۵	هریک از عبارتهای زیر، یادآور کدام «مَثَل» است؟ الف شاهین تیزبال افق‌ها بودم. زنبوری طفیلی شدم و به کنجی پناهم بردم. ب از بیم عقرب جزیرهٔ دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار غاشیة حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد.	۳۷										
۰/۵	مضمون کلی عبارت زیر را بنویسید. «کلمات را کنار زبید و در زیر آن، روحی را که در این تلقی و تعبیر پنهان است، تماشا کنید.»	۳۸										
۰/۷۵	با توجه به ستون «الف»، مفهوم مناسب هر بیت را در ستون «ب» مشخص کنید. (یک مفهوم اضافی است.)	۳۹										
	<table border="1"> <thead> <tr> <th>ب</th> <th>الف</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>۱- ضرورت ترک تعلقات مادی در راه عشق</td> <td>الف) آیین طریق از نَفَس پیر مغان یافت / آن خضر که فرخنده‌پیش است</td> </tr> <tr> <td>۲- کمال‌بخشی عشق</td> <td>ب) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تاکیمیای عشق بیایی و زر شوی</td> </tr> <tr> <td>۳- ضرورت شایستگی در عشق</td> <td>پ) در عشق کسی قدم نهد کس جان نیست / با جان بودن به عشق در سامان نیست</td> </tr> <tr> <td>۴- ضرورت توسل به مرشد و مراد</td> <td></td> </tr> </tbody> </table>	ب	الف	۱- ضرورت ترک تعلقات مادی در راه عشق	الف) آیین طریق از نَفَس پیر مغان یافت / آن خضر که فرخنده‌پیش است	۲- کمال‌بخشی عشق	ب) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تاکیمیای عشق بیایی و زر شوی	۳- ضرورت شایستگی در عشق	پ) در عشق کسی قدم نهد کس جان نیست / با جان بودن به عشق در سامان نیست	۴- ضرورت توسل به مرشد و مراد		
ب	الف											
۱- ضرورت ترک تعلقات مادی در راه عشق	الف) آیین طریق از نَفَس پیر مغان یافت / آن خضر که فرخنده‌پیش است											
۲- کمال‌بخشی عشق	ب) دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تاکیمیای عشق بیایی و زر شوی											
۳- ضرورت شایستگی در عشق	پ) در عشق کسی قدم نهد کس جان نیست / با جان بودن به عشق در سامان نیست											
۴- ضرورت توسل به مرشد و مراد												
۰/۵	معنی عبارتهای زیر را به نثر روان بنویسید. الف نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی	۴۰										
۰/۵	ب عاکفان کعبهٔ جلالش به تقصیر عبادت معترف.											
۰/۵	پ گفت: والی از کجا در خانهٔ خنار نیست؟											
۰/۵	ت بگرای چو ازدهای گرز											
۰/۵	ث هرکه بی‌روزی است، روزش دیر شد											
۰/۵	ج در عشق قدم نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد.											
۰/۵	ح کرانه‌های فرات، خط از کرانهٔ رود تیبر می‌خواندند.											
۰/۵	ح اقا در آستانهٔ میوه دادن درختی که جوانی را به پایش ریخته بود، ناگهان منقلب شد.											

یادداشت:

.....

.....

.....

.....

.....

آزمون پایان نوبت اول (آزمون ۱)

۱۳ الف حذف واژه [دلیم] در مصراع دوم، به قرینه لفظی ۵/۲۵
(آری) [دلیم] غم نداشت ...

ب حذف فعل [است] در مصراع اول، به قرینه معنایی ۵/۲۵
(نی، حریف هرکسی [است] که از یاری بَرید)

۱۴ الف صفت مضاف‌الیه ۵/۲۵

ب این پند فرزند سیاه‌بخت ۵/۲۵
صفت اشاره هسته مضاف‌الیه صفت مضاف‌الیه

۱۵ گزینه «۱» ۵/۲۵؛ در این عبارت، ضمیر پیوسته «م» به ترتیب در نقش‌های «مضاف‌الیه» و «مفعول» به کار رفته است؛ اما در عبارت گزینه «۲»، ضمیر پیوسته «م» در هر دو جمله «مضاف‌الیه» است.

بررسی گزینه‌ها:

گزینه «۱»: نمی‌دانستم که اسب و زین من را می‌گیرند و من را پشت میز و نیمکت مدرسه می‌نشانند.

گزینه «۲»: نمی‌دانستم که تفنگ مشقی قشنگ من را می‌گیرند و قلم به دست من می‌دهند.

۱۶ ربط ۵/۲۵ (آن جامه را بَدَران که ننگ تن [است] و کمتر از کفن است.)
ربط

۱۷ الف تا بگویم شرح درد اشتیاق ۵/۲۵

پیوند جمله وابسته (ببرو) وابسته‌ساز

ب اشتیاق ۵/۲۵ ← مضاف‌الیه مضاف‌الیه ۵/۲۵

۱۸ الف ابر بهاری ۵/۲۵

ب استعاره ۵/۲۵؛ استعاره از سبزه و چمن

۱۹ الف تضمین ۵/۲۵؛ عبارت‌های داخل گیومه تضمین از بییتی از سعدی است.

ب ایهام ۵/۲۵؛ سودا: ۱) دیوانگی ۲) معامله

۲۰ الف رهایی از هم‌صحبتی با افراد پست، شوم و دیوصفت. ۵/۵

۱ گزینه «۳» ۵/۲۵ یعنی واژه «همراه»

۲ پیوسته = باز بسته ۵/۲۵

۳ سزاوار ۵/۲۵

۴ تخت پادشاهی ۵/۲۵، اورنگ، اورند (یک مورد کافی است).

۵ ~~ذغال~~ ← زغال ۵/۲۵

۶ الف غربت ۵/۲۵ ب اساس ۵/۲۵

۷ الف ~~هلیه~~ ← حلیه ۵/۲۵

ب ~~غریب~~ ← قریب ۵/۲۵

پ ~~زوالجلال~~ ← ذوالجلال ۵/۲۵

۸ ۱- طیلسان و ردا ۵/۲۵ ۲- آجر و ملاط گچ ۵/۲۵

۹ الف نادرست ۵/۲۵؛ ضمیر پیوسته «ت» در این مصراع در نقش «مفعولی» به کار رفته است و «مضاف‌الیه» نیست (خواب و خور تو را از مرتبه خویشت دور کرد ...)
ب درست ۵/۲۵

۱۰ گزینه «۲» ۵/۲۵؛ در این گزینه، فعل «نیست» در معنی «نمی‌باشد» به کار رفته و «اسنادی» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱» و «۳»: در معنی «وجود ندارد»

گزینه «۴»: در معنی «حضور ندارد».

۱۱ الف مضاف‌الیه ۵/۲۵ (جان آن سوخته رفت ...)

ب مسند ۵/۲۵ (فعل «آمد» به معنی «شد» به کار رفته و اسنادی است.)

۱۲ ترکیب وصفی ← ضربتی چند (چند ضربت) ۵/۲۵

ترکیب اضافی ← مشت زمین ۵/۲۵

تاریخ ادبیات

نام درس	نام اثر	پدیدآورنده	قالب اثر	گونه ادبی
ملکا، ذکر تو گویم	دیوان اشعار	حکیم سنایی غزنوی	قصیده	ادبیات تعلیمی
شکر نعمت	گلستان	سعدی	نثر آمیخته به نظم	ادبیات تعلیمی
گمان	ترجمه «کلبله و دمنه»	نصرالله منشی	نثر	ادبیات تعلیمی
مست و هشیار	شعر «مست و هشیار»	پروین اعتصامی	قطعه (به شیوه مناظره)	ادبیات تعلیمی
در مکتب حقایق	غزلیات حافظ	حافظ	غزل	ادبیات تعلیمی
آزادی	دیوان اشعار	ابوالقاسم عارف قزوینی	غزل اجتماعی	ادبیات پایداری
دفتر زمانه	دیوان اشعار	فَرخِی یزدی	غزل اجتماعی	ادبیات پایداری
خاکریز	روایت سنگسازان ۲	عیسی سلمانی لطفآبادی	نثر	ادبیات پایداری
دماوندیه	دیوان اشعار	محمدتقی بهار	قصیده	ادبیات پایداری
جاسوسی که الاغ بود!	قصه شیرین فرهاد	احمد عربلو	نثر داستانی	ادبیات پایداری
نی‌نامه	مثنوی معنوی	مولوی	مثنوی	ادبیات غنایی
آفتاب جمال حق	فیه ما فیه	مولوی	نثر	ادبیات غنایی
در حقیقت عشق	فی حقیقة العشق	شهاب‌الدین سهروردی	نثر	ادبیات غنایی
سودای عشق	تمهیدات	عین القضاة همدانی	نثر	ادبیات غنایی
صبح ستاره‌باران	مثل درخت، در شب باران	محمدرضا شفیعی کدکنی متخلص به «م. سرشک»	غزل	ادبیات غنایی
از پاریز تا پاریس	از پاریز تا پاریس	محمدابراهیم باستانی پاریزی	نثر	ادبیات سفر و زندگی
سه مرکب زندگی	تذکره‌الاولیا	عطار نیشابوری	نثر	ادبیات عرفانی (شرح حال)
کویر	کویر	علی شریعتی	نثر	ادبیات سفر و زندگی
بوی جوی مولیان	بخارای من ایل من	محمد بهمن بیگی	نثر	ادبیات سفر و زندگی
فصل شکوفایی	دری به خانه خورشید	سلمان هراتی	غزل	ادبیات انقلاب اسلامی
تیرانا!	تیرانا	محمدرضا رحمانی متخلص به «مهرداد اوستا»	نثر (شاعرانه)	ادبیات تعلیمی



آزمون های پایان نوبت دوم

آزمون خرداد ۱۴۰۳

بارم	سوالات امتحانی	ردیف
قلمرو زبانی ۷ نمره		
۰/۲۵	معنای واژه مشخص شده در عبارت «دیگر در آن <u>ذی حیاتی</u> نفس نمی کشد» چیست؟	۱
۰/۲۵	کدام واژه جزء معانی کلمه مشخص شده نیست؟ بنشین به یکی کیود اورند (آونگ - سریر - اورنگ - تخت پادشاهی)	۲
۰/۲۵	معادل معنایی واژه مشخص شده در بیت «چه نیکو گفت با جمشید دستور / که با نادان نه <u>شیون</u> باد و نه سور» در کدام گزینه نیامده است؟ (۱) در نفیرم مرد و زن نالیده اند. (۲) فریاد و فغان مرحبا و آفرین به آسمان بلند شد. (۳) وین نعمة محبت بعد از من و تو ماند.	۳
۰/۲۵	مترادف واژه «کلان» در عبارت «هر که مرا ببند، به حقیقت داند که از شما بسیار <u>کلان</u> ترم و جهان از شما زیادت دیده ام» کدام کلمه است؟ «یکی از مردان معمر دهکده که کتاب را بر روی زانو گشوده بود و از پس عینک ستبر خویش در آن می نگریست.»	۴
۰/۷۵	املاي درست را در جمله های زیر انتخاب کنید. الف مهمان ها سخت در (محضور - محظور) گیر کرده و تکلیف خود را نمی دانند. ب از آن همه زیبایی ها و لذت ها و (نشئه - نشعه) ها سرشار از شعر و خیال می شدم. پ تو نماینده فضلی، تو سزاوار (ثنایی - سنایی).	۵
۰/۲۵	با توجه به واژه های مشخص شده، کدام گزینه غلط املائی دارد؟ (۱) ولی <u>شستش</u> خیردار شده بود و چشمش مثل مرغ سربریده، مدام روی میز می دوید. (۲) کان <u>کمند</u> <u>شست</u> <u>خَم</u> خویش بگشاید / و بیندازد به بالا، بر درختی، گیره ای، سنگی / و فراز آید. (۳) چون تیری که از <u>شست</u> رفته، باز نمی گردد، یک بار دیگر به کلام بلندپایه «از ماست که بر ماست» ایمان آوردم. (۴) آنگاه باز شکاری که شاهان او را روی <u>شست</u> می نشانند و با خویشان به شکار می بردند، چنین گفت...	۶
۰/۵	از چهار گزینه زیر، در دو گزینه نادرستی املائی وجود دارد؛ آن دو را مشخص کنید. الف مطاع و فرمانروا - صلۀ ارحام - سوء هاضمه ب حمایل و محافظ - غرض نهال - مستور و پوشیده پ مغلوب و مقهور - زل زدن و نگریستن - مخاصمت و دشمنی ت ضماد و مرحم - بحر مکاشفت - ضجّه و فریاد	۷



۰/۲۵	معنی و مفهوم ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.	۳۶
۰/۲۵	الف بهانه‌ها یک‌سو نهادند.	
۰/۲۵	ب آفتاب چشم‌هایتان را می‌زد.	
۰/۵	پ قندیل زیبای پروین سر زد.	
۰/۵	ت مهمان‌ها سخت در محظور گیر کرده.	
۰/۵	ث باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده.	
۰/۵	ج گل آبی، گل سرخ کشورم که مرا می‌خواند.	
۰/۵	ح در باغ می‌ماند ای دوست، گل یادگار من و تو	
۰/۵	خ در غم ما روزها بی‌گاه شد / روزها با سوزها همراه شد	
۰/۵	ح مسلک مرغ گرفتار قفس همچو من است	

آزمون شهریور ۱۴۰۳

بارم	سؤالات امتحانی	ردیف
	قلمرو زبانی ۷ نمره	
۰/۵	معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف پدران و مادران نیز در تربیت و تعلیم شما چنان که باید اهتمام نورزیده‌اند. ب دشمن با استقرار سلاح‌های زیادی قلّه را در دست داشت.	۱
۰/۲۵	معنی واژه مشخص شده، در کدام گزینه به‌درستی آمده است؟ (۱) بگرای چو ازدهای گرز (خشمگین) (۲) نی حریف هر که از یاری برید (رقیب) (۳) چه استبعادی دارد که عمری باشد و روزی خاطراتی از سفر ماه هم بنویسم! (دور دانستن) (۴) پاداش هر زخمه سنگی را دست‌های کریم تو میوه‌ای چند شیرین ایتار کند. (جراحت)	۲
۰/۲۵	واژه «بادی» در جمله «این حرف که در بادی امر زیاد بی‌با و بی‌معنی به‌نظر می‌آمد، معلوم شد آن قدرها هم نامعقول نیست.» با کدام واژه در متن زیر، مترادف است؟ «یکی را از ملوک عجم حکایت کنند که دست تطاول به مال رعیت دراز کرده بود و جور و اذیت آغاز کرده.»	۳
۰/۷۵	املاي درست را در جمله‌های زیر، انتخاب نمایید. الف داشتم می‌گفتم، آن شب نیز (صورت / سورت) سرمای دی بیدادها می‌کرد. ب سرتان را روی زمین (بگذارم / بگزارم) و بروم. پ گاهی می‌ایستد و علف و (خواری / خاری) را پوزه می‌زند.	۴
۰/۵	در گروه واژگان زیر، دو نادرستی املايي به‌کار رفته است؛ درست آن‌ها را بنویسید. «صیحه و شیون - بغولات و حیوبات - سریر و اورنگ - طیلسان و ردا - متاع و فرمانروا - مشایعت و بدرقه.»	۵



آزمون نهایی (شهریور ۱۴۰۳)

- ۱ الف کوشش، سعی، همت گماشتن، جهد (۵/۲۵) ذکر
یک مورد کافی است.
- ۲ ب برپایی، برقرار و ثابت کردن کسی یا چیزی در جایی،
مستقر شدن (۵/۲۵) (ذکر یک مورد کافی است).
- ۳ گزینه «۳» (۵/۲۵)
- ۴ الف سورت (۵/۲۵) ب بگذارم (۵/۲۵)
پ خاری (۵/۲۵)
- ۵ بقولات (۵/۲۵) / مطاع (۵/۲۵)
- ۶ گزینه «۴» (۵/۲۵) ، مستغرق ← مستغرق
۷ گزینه «۱» (۵/۲۵) ، تحویه ← تهویه (۵/۲۵)
- ۸ الف دیروز اگر سوخت غم برگ و بار من و تو (۵/۲۵)
ب ربط (۵/۲۵)
- ۹ گزینه «۲» (۵/۲۵)
- ۱۰ الف سروده است، گفته است (۵/۲۵)
ب آماده شد، مهیا شد (۵/۲۵)
- ۱۱ گزینه «۱» (۵/۲۵) ؛ هر دو متمم‌اند.
- ۱۲ گزینه «۳» (۵/۲۵)
- ۱۳ الف بدل: پایتخت ایتالیا (۵/۲۵)
ب معطوف: باروهای دودخورده آن (۵/۲۵)
- ۱۴ الف متمم (۵/۲۵) ب نهاد (۵/۲۵)
- ۱۵ خویش (۵/۲۵) روزگار وصل خویش (۵/۲۵)
- ۱۶ گزینه «۳» (۵/۲۵)
- ۱۷ تک چاه (۵/۲۵)
- ۱۸ ماضی نقلی (۵/۲۵)
- ۱۹ گزینه «۲» (۵/۲۵)
- ۲۰ حسب حال (۵/۲۵)
- ۲۱ الف در حیاط کوچک پاییز در زندان (۵/۲۵)
ب پابلو نرودا (۵/۲۵)
- ۲۲ الف استعاره (۵/۲۵) (استعاره از عشق و معرفت الهی)
ب تشبیه (۵/۲۵) (اضافه تشبیهی)
- ۲۳ الف ایهام (۵/۲۵) ؛ «فسرده»: (۱) افسرده (۲) منجمد
ب تضاد (۵/۲۵) ؛ آباد و ویران
پ تشخیص (۵/۲۵) ؛ آینه‌دار بودن خورشید
- ۲۴ الف مرا امیدوار کرد، مرا خوشحال کرد. (۵/۲۵)
ب نمیرم. (مردن) (۵/۲۵)
- ۲۵ ملی یا میهنی یا قومی (۵/۲۵)
- ۲۶ الف حسن تعلیل (۵/۲۵)
ب اسلوب معادله (۵/۲۵)
پ اغراق (۵/۲۵)
ت تلمیح (۵/۲۵)
- ۲۷ لیخند گاه‌گاهت، صبح ستاره‌باران (۵/۲۵)
- ۲۸ گزینه «۲» (۵/۲۵)